



2021/02/22



دوکتور محمد ظاهر عزیز

پیام و احکام اسلام برای تأمین صلح و کسب تعلیم و تربیه

کسب تعلیم و تربیه، پیروی و پذیرش صلح و اقدامات صلح آمیز در جهت رفاه مسلمانان از احکام دین مبین اسلام استند. کسی که از احکام دین اسلام در این موارد که در طی این مضمون به تفصیل کامل ارایه و شرح میگردند، پیروی می نماید، مسلمان خوب و اگر سرپیچی می نماید، انسان و مسلمان خوب نیست.

اخیراً اتحادیه جهانی عالمان اسلام حکم نموده است که بر بنیاد آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام، کشتار انسانی بی گناه در اسلام و قوانین جهانی حرام و ممنوع است.

شبی در ماه رمضان، سال ۶۱۰ میلادی بر محمد (ص) بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم، زمانی که او چهل سال داشت در غار حرا (نزدیک مکه)، وحی نازل شد. صدایی گفت: "من جبرئیل، ملک پروردگار هستم و از جانب او مأمور شده ام به تو اعلام کنم که خداوند برای ابلاغ پیام و وحی خود به بشریت، ترا برگزیده است."

نخستین آیاتی که بر محمد (ص) نازل شد چنین بود: "ای رسول گرامی بر خیز، قرآن را بنام پروردگارت بخوان که آفرید، آفرید انسانرا از خون بسته، بخوان، پروردگار تو است کریم. آن خدائی که بشر را علم نوشتن بقلم آموخت و به آدم آنچه را که نمیدانست، با الهام خود تعلیم داد."

از آن زمان که محمد رسول الله (ص) پس از چند سال دعوت مردم مکه در راه خداوند(ع)، از آن شهر هجرت کرد هزار و چهارصد و یازده سال، میگذرد.

نظر به دلایل خاصی، پیغمبر خدا(ع)، تصمیم به هجرت از مکه به مدینه گرفت و شبی به همراهی ابوبکر صدیق، مخفیانه از شهر مکه خارج شد و پس از سفر دراز و پر مخاطره در عرض بیابان، سر انجام به یثرب رسید و با استقبال پر شور یارانیش که قبلاً به آنجا رفته بودند و ساکنان محلی روبر شد.

این مکان کوچک، را که پیغمبر اسلام به مدینه تبدیل کرد، دومین شهر با فضیلتی است که شهر مقدس اسلام شد. او از واحد کوچک یثرب بنیانگذاری يك تمدن جدید، تمدنی را که منبع و امال بیش از يك هزار و پنجمصد میلیون مسلمان است، آغاز کرد.

داستان حماسی هجرت، حاوی نشانه هائی است که به کمک آنها میتوان دریافت که چرا پیامی که توسط محمد (ص) ابلاغ شد، پس از وی با امیدهای انبوه مردمانی که وابسته به فرهنگ های متفاوت و باشندگان ساحه جغرافیایی عظیمی بودند، درآمیخت و به حیات آنان ابعاد معنوی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی جدیدی بخشید. نخستین اهمیت آن پیام، در جهان شمول بودن آن است که با مخاطب قرار دادن تمام وجود انسان و تمام مردمان بود، که پیغمبر و

یارانش توانستند جامعه نوینی بسازند، مشتمل بر مردمان جزیره عربستان، افریقا، آسیا، اروپا و بخش از امریکای لاتین.

پیامی که پیغمبر اسلام ابلاغ کرد، افقهای حیات معنوی مردمانی را که آن پیام را دریافت کردند، حقیقتاً گسترش داد، زندگی آنان را به نور ایمانی که ماورای اتفاقات روزمره بود، روشن ساخت، مسایل سیاسی را به يك شالوده اخلاقی قرارداد، و حقوق کامل همه افراد جامعه را تضمین کرد.

لذا لازم است که از راه تفهیم، تعلیم و تدریس، از راه وسایل شنیدن، گفتن، دیدن، و نوشتن، یعنی وسایل ارتباط جمعی، از راه روشهای صلح و از طریق بحث، مذاکره و کنفرانس، می باید به جامعه اسلامی و با زبان ساده و مردمی، تفهیم و تعلیم گردد که آزادی اجتماع اسلامی همچون پارچه ای است که تار و پود آنرا آزادی های فردی تشکیل میدهد و این آزادی ها تنها زمانی شکوفا میگردد که کل اجتماع شکوفا شود.

اگر شکوفائی و رفاه اجتماع مورد تهدید یا هجوم واقع شود، هر يك از افراد تاثیر یا لطمه ناشی از آن را بر نهاد خود احساس میکند، و چنانچه افراد اجتماع از مشارکت آزادانه و به خواهش خود شان در حیات اجتماعی و ابراز استعداد ها و حق مشارکت خود محروم شوند، حیات اجتماعی به ناگزیر دچار ضعف و مشکلات می شود و جامعه هویت خود را از دست می دهد .

حقوق فردی و مساوات مطلق، شامل همگان در برابر پروردگار است. پیغمبر اسلام می فرماید: " شما همچون دندانهای شانه برابرید." این مساوات بنیادی که در برابر مزایای ناشی از اصل و نسب و مال، مقام و قدرت، خدشه ناپذیر است، متضمن يك مسوولیت حقوقی و اخلاقی مساوی نیز برای همگان و در برابر همگان است. از اینرو هر فرد (مرد و زن) در برابر خداوند و مردم، مسوول اعمال خود و مسوول چگونگی گردش امور اجتماع و همچنان مسوول رفاه و برقراری صلح، می باشد.

به تأیید تکرار میگردد که خصلت اساسی اسلام، جهان شمول بودن پیام آن است. در این آئین، جایی برای تبعیض نیست. دین اسلام برای همه است. اسلام در پی آن نیست که خود را بر کسی، شخصی تحمیل کند و یا از طرف او بدون رضای او تصمیم بگیرد. دعوت قرآن کریم خطاب بر تمام کسانی است که آنرا می شنوند. خداوند (ج) به محمد (ص) میگوید: " و ما ترا جز برای این که عموم بشر را به رحمت خدا بشارت دهی و از عذابش بترسانی، نفرستادیم." اسلام ذاتاً دوستدار سلم و صلح و منادی برابری بنیادین همه ابناء بشر است که این خود از یگانگی جوهر آنان، منشاء مشترك آنان و مقصد مشترك آنان، سر چشمه می گیرد.

هر کسی که ارزشهای اسلامی را به شکل دروغین برای کسب قدرت شخصی، به دست آوردن پول و دارایی و یا حکومتداری استفاده می نماید، به نزد خداوند گنهکار و مسوول اعمال نادرست خود است.

اطاعت پروردگار و خدمت به خلق، فوق تمایزات نژادی، فرقه ای و طبقاتی، و اصل و نسب است. پیغمبر اسلام (ص) می فرماید: "بنی آدم خانواده واحدی را تشکیل میدهد که تحت حمایت پروردگار قرار دارد. گرمی ترین شما نزد خداوند کسی است که برای خانواده اش مفیدتر باشد." و یا "عرب بر غیرعرب، برتری ندارد، سفید پوست نیز بر سیاه پوست برتری ندارد، مگر آنکه پرهیز گار تر باشد." این بیان بصورت واضح بر حسب اصول دین مبین اسلام

همبستگی بشریت و تساوی بنیادین همه انسانها را حکم می نماید که می باید از طرف هر مسلمان، مرد و زن مراعات، اجرا و احترام شود.

ما در جامعه خود، افغانستان، به تعلیم و تربیه مفاهیم فوق الذکر ضرورت شدید داریم. مردم ما باید بدانند که حقوق و مسوولیت های شان در برابر خداوند(ع) و خلق خدا و در برابر همدیگر مساوی است. وقتی پیغمبر اسلام حکم می فرماید که بنی آدم خانواده واحدی را تشکیل میدهد و گرامی ترین شما نزد خداوند کسی است که برای خانواده اش مفید باشد، بر جامعه اسلامی لازم است بداند که حکم پیغمبر اسلام اینست که بر خانواده خود یعنی انسانها و مسلمانان عمل نیک انجام دهید، آنها را با خود مساوی تلقی نمائید و از اعمال بد و احساسات برتری نسبت به دیگران پرهیز نمائید. به آنها ضرر نرسانید. از جیب آنها دزدی نکنید. مسلمانان بی گناه را نکشید.

درك پیام اسلامي و انجام دادن رویشی که در حکم ارزشهای اسلامی باشد، جامعه اسلامی را در راه حفظ هویت اسلامی کمک می نماید.

رسانه های گروهی با توانائی تکنیکی امروز که معضله فاصله را حل و تسخیر نموده اند، قدرت بزرگ از راه های شنواندن، گفتن، ارائه تصویر، دیدن و خواندن، به مردم و جامعه دارند. مردم کشور ما که هر روز، بیشتر از دیروز، به رسانه های گروهی آشنا میشوند، حق دارند تقاضای فهمیدن اساسات، ارزشها، اصول اسلامی و پیام دینی را که به آن معتقد اند، به زبان خود شان و با ساده گی بیان، از رسانه های گروهی داشته باشند.

نقش رسانه های گروهی و علمای دینی، با ارائه برنامه های قابل درک و قابل فهم آنطوری که در توان درک فکری و فرهنگی مردم کشور ما باشد، در راه تعلیم افراد جامعه ما جهت شناخت مفاهیم و پیام اسلامی، بسیار بزرگ است که تا حال به درستی اجرا نگردیده است. خاصتاً وظیفه علمای دینی اینست که به مردم توصیه جدی نمایند که اطفال شانرا (دختر و پسر) اجازه دهند و تشویق نمایند به مکتب بروند و کسب تعلیم نمایند زیرا کسب تعلیم و تربیت برای هر مسلمان فرض است.

ما در جامعه خود به درک مفاهیمی ضرورت داریم که کسی با رابطه قومی، نژادی، زبانی، مقام، دارائی مادی و جنس، برکس دیگری برتری نداشته باشد چونکه دین مبین اسلام و مدنیت امروزی به هیچ کس چنین برتری را نمی دهد. برتری او محض رابطه به خدمتگزاری به خداوند (ج) و خدمتگزاری صادقانه به خلق خدا است.

این اصل از اساسات اصیل دیموکراسی امروزی که در پیام اسلامی نهفته است و در قانون اساسی افغانستان منعکس گردیده، نیز محسوب میگردد. فهم این اصل از راه کسب تعلیم و تربیه با کیفیت آسانتر است.

مانند مکتب، رسانه های گروهی که امروز مقام عالی، ثمر بخش و چشمگیر خود را در راه پخش خبر، احوال و تعلیم مرد و زن حاصل نموده است، در تفهیم اساسات اسلامی و ابسته بر اصول دیموکراسی و مساوات بین همه افراد جامعه افغانی، وظیفه بس بزرگ دارند. ضمناً لازم است که علمای دینی نباید مسوولیت های خود را در برابر مردم افغانستان در این زمینه فراموش کنند. آنها ظلم، کشتار نا حق مردم بی گناه وطن را از طرف کسانی که مرتکب چنین اعمال نا مشروع و خلاف ارزشهای اسلامی می شوند، تقبیح نمایند.

مردم جامعه ما همانند دیگر جوامع اسلامی حق دارند از مزایای حقوقی و اخلاقی مساوی برای همگان، مطلع و مستفید گردند و بر اصل برابری و مساوات در ورای قبول حق و اجرای مسوولیت، با نیکی و پاکی، جامعه خود

را بطرف دیموکراسی ملی و صلح که تضمین مساوات فردی و اجتماعی و امنیت عمومی را در بر دارد، بطرف آینده مرفه به پیش ببرند.

تفہیم این اصل به همه افراد جامعه از طریق وسایل اطلاعات و نشرات، خاصاً رادیو و تلویزیون در جامعه ما امکان پذیر است. شرط اصلی را در مراحل زیر باید جستجو نمود:

- طرح پلان، برنامه ملی جهت پیاده نمودن اصول مذکور به مردم کشور،
- نوع برنامه هایی که از طرف مردم قابل فهم و درک باشند،
- تهیه وسایل شنیدن، دیدن و یا خواندن به افراد جامعه و بالاخره سهمگیری مردم جامعه در تنظیم و تطبیق برنامه‌ها.

اسلام با دمیدن نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک و صلح به منظور شکوفایی و سود هر یک، برجہانی که قبلاً از لحاظ تاریخی و جغرافیایی، وزبان و فرهنگ از یکدیگر جدا بودند، آنها را از بسیار جهات به یکدیگر نزدیکتر ساخت و یک جریان مداوم مبادلات متقابل ذهنی و مادی میان آنها بر قرار ساخت. آیا ما در جامعه خود به مفاد این نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک پی برده ایم.

این اصل یعنی نسیم روح بخش اتحاد و امید و صلح همگانی مشترک، در جامعه ما قابل فهم، قابل درک و در امکان قابل پذیرش است به این معنی که کشوری که دارای تنوع فرهنگی باشد، در آن کشور غنای فرهنگی نیز وجود دارد. جامعه و مردم افغانستان صاحب تنوع فرهنگی قابل ملاحظه و شایسته هستند و آرزوی تأمین صلح را دارند. پس در کشور ما از یکطرف غنای فرهنگی موجود است، آرزومندی کامل برای آوردن صلح دایم و سراسری موجود است، و از جانبی دین مقدس اسلام به مردم کشور ما نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک اعطا نموده است. اسلام در وحدت و امید مشترک مردم افغانستان مقام معنویت اخلاقی بخشش نموده است. پس ایجاب می نماید که افغان ها از مقام، بزرگی و ارزشهای این معنویت به شکلی که احکام اسلامی حکم می نماید، استفاد نمایند. هر کسی که از این حکم سر پیچی نماید و یا خلاف آن عمل نادرست انجام دهد، به نزد خداوند(ج) محکوم و گنہکار است.

وظایف مهم دستگاه دولتی، مردم چیز فهم و موسسات فرهنگی، اطلاعاتی، نشراتی و تعلیمی اینست که مفاهیم اصیل و مقام معنوی دین اسلام را به حیث نسیم روح بخش اتحاد و امید مشترک و صلح، به زبان مردم، به مردم تفہیم نماید. نقش رسانه های گروهی و علمای دینی در این راه مقدس بزرگتر از آن است که امروز درک گردیده است. آرزومندی به صلح کامل در کشور ما، سخاوت، کمک و رسیدگی به محتاجان، رستگاری و محبت به کسانی که در مشکل قرار دارند، در پیام، روش و مفاهیم اسلامی مقام بس بزرگ دارد. مسلمین بیاد می آورند که چگونه اصحاب پیغمبر (ص) وارد مدینه شدند و انصار برادرانه از آنان استقبال کردند و آنان را به آغوش خانواده های خود راه دادند و خانه و دارایی خود را با آنها تقسیم کردند.

امروز در جامعه ما و به حکم پیام و مفاهیم اسلامی که با حسن انسانی مطابقت دارد، نه تنها این آرزو موجود است بلکه ضرور هم است که اکنون نیز بار دیگر موج همبستگی انسانی اوج گیرد، همه افغانها نیاز های دیگران را نیاز های خود بدانند و تمام کسانی که دارای توانایی های معنوی، علمی و خاصاً مادی شده اند، دست دوستی

بسوی قربانیان جنگ، فقر، جهل و بیماری دراز کنند، همه در آرزوی صلح و دوستی از جنگ و کشتار بپرهیزند. آیا این آرزو برآورده می شود یا نه، بستگی به درک ارزشهای اسلامی از طرف مردمی دارد که توانایی اخلاق اسلامی، توانایی مادی و معنوی دارند.

برای این منظور موسسات اجتماعی خیریه، تعلیمی، صحی و اطلاعاتی تاسیس نمایند، در انکشاف قریه، شهر و محل خود بصورت درست و بدون خواهش مقام خاص اجتماعی، آنچه احکام اسلامی حکم می نماید، بصورت صادقانه سهم بگیرند. به خانواده های قربانیان کمک نمایند، در کاهش بیسوادی و جهل از راه ساخت و تاسیس مکتب و تهیه وسایل تعلیم تدریس اقدام نمایند، اجازه دهند که بخشی محدود از دارائی شان، به هر شکلی که به دست آورده اند، در ساخت مرکز صحی و یا فعالیت های صحی و ساخت مکاتب که فرزندان شانرا تعلیم دهند، بکار رود، بر اساس حکم اسلامی صدای صلح را بلند کنند، از نام اسلام به منظور کسب قدرت و مادیات استفاده دروغین نمایند. ضمناً از طریق تاسیس مراکز رادیوهای محلی و برنامه های آن در تقویت سویه علمی و توسعه جامعه دارای احساسات و طندوستی، صلح، برادری، برابری دارای ارزشها اسلامی و انسانی، پاکي نفس و ضمیر، سهم گرانقدر داشته باشند.

در پیام اسلامی، اعمال و احساسات اخوت و صمیمیت، روش اخلاق نیک، گوش دادن بحرف دیگران و پذیرفتن نظریات نیک دیگران جهت بهبود امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و کسب صلح و آرامش عمومی، مقام شایسته دارد.

پیغمبر مسلمانان به نظریات و حرف های صحابه گوش میداد و این امر تا سرحدی بود که بسیاری اوقات پلان کاری را که خود پیغمبر (ص) طرح نموده بود بعد از ارائه نظریات صحابه تغییر شکل میدادند.

ما آرزو می کنیم که اکنون نیز، بار دیگر، آن فضای اخوت و صمیمیت تکرار شود و در جامعه ما در عمل روزمره قرار گیرد تا کم رتبه ترین افراد بتوانند بدون واهمه نظر خود را نزد والاترین اشخاص ابراز کنند و فضای مملو از مدارا و تحمل متقابل که شرط لازم برای تحقق دیموکراسی همگانی است، فضای سیاسی، اداری و اجتماعی جامعه ما را با نوری که سعادت می آورد، روشن سازند. این همه اعمال نیک در جامعه ما پیاده خواهد شد مشروط بر آنکه مردم وطن ما به فضایل و ارزش های اسلامی و انسانی عقیدت داشته باشند و مطابق اوامر خداوند(ج) و نصایح پیغمبر اسلام، روش زندگی خود را تنظیم نمایند.

آیا رسانه های گروهی و علمای دینی برای تفهیم و تعلیم مفاهیم فوق عالی اسلامی و انسانی در جامعه ما مسؤولیت دارند؟

جواب کاملاً مثبت است، چونکه رسانه های گروهی خاصاً رادیو با قدرت تخنیک امروزی که دارد، به هر خانه و هر شخص رسیده میتواند. رسانه های گروهی در تعلیم مردم جامعه نقش اساسی دارند مشروط به این که برنامه های آنها با تخنیک های جدید علمی و روانی با در نظر داشت قدرت درک و فهم مردم جامعه ما به منظور توسعه جامعه بطرف صلح، انکشاف عقلی و فرهنگی اما از همه بالاتر با دلسوزی کامل با مراعات به هویت فرهنگی مردم کشور ما، طرح، تطبیق و ارائه گردند. وقتی از مراعات هویت فرهنگی صحبت میگردد، مرام تعقیب حالات رکود و عدم تغییر و یا عدم توسعه اجتماعی و اقتصادی نیست، بلکه حفظ ارزشهای معنوی، اخلاقی و فرهنگی است

که هم در حفظ عزت یا شخصیت و مقام جامعه ما و هم در روش هایی که در ساخت جامعه با تغییرات زمانی، با کسب تعلیم و تربیه همگانی برای زن و مرد، دختر و پسر، بکار میروند، نقش بزرگ و اساسی را دارا هستند. پیام مهم دیگر اسلام، قبول مسوولیت و اجرای امور، با صداقت و پاک نفسی کامل است. زمانی حضرت عمر (رض) خلیفه اسلام به اثر خستگی در کار، زیر سایه درختی آرامیده بود، یکی از رعایای وی از آنجا میگذشت، او را دید. ایستاد و این کلمات محبت آمیز را به وی خطاب کرد: "ای عمر، تو به امور عامه رسیدگی کرده ای، عدالت را برپا داشته ای و اکنون باقلب آرام بخواب رفته ای". چطور میتوان پیدایش دوباره حس مساوات از این قبیل را و یا اندکی نزدیک به آن را که در پرتو آن، حاکم مردم مثل بقیه آدم ها عمل نماید و خود را وقف خیر و صلاح هموعانش بسازد و هریک از آنها نیز به نوبه خود، مثل حاکم اندکی احساس مسوولیت نماید و جامعه به طرف صداقت اجتماعی، اخلاقی و اداری با احساسات انسانی، رهنمون گردد، چطور می توان این نوع حاکم و اجتماعی را پیدا کرد؟. قرآنکریم می فرماید: "فساد در روی زمین یا جان انسانی را به نا حق گرفتن برابر است با کشتن تمامی انبای بشر و در عین حال نجات بخشیدن جان يك انسان معادل است با احیای تمامی بشریت". رسانه های گروهی و عالمان دین، در به میان آمدن چنین حالت در اجتماع یعنی حالت با درک مسوولیت و صداقت نقش بس بزرگ دارند. آرزوی ما اینست که رسانه های گروهی و عالمان دین نه فاسد گردند و نه در تشویق عمل و حالت فساد مصدر خدمت به کسی شوند و به اینصورت در حفظ هویت اسلامی در کشور خدمت نمایند.

قرآن کریم سرودی بس زیبا در مدح دانش .

این کتاب آسمانی انسان را به کسب دانش فرا می خواند، راز و خرد را با یکدیگر تلفیق می کند و کسانی را که در باب خلقت تامل میکنند و نسبت به هموعان خود امین اند، بزرگ میدارد. اصالت اسلام تنها در آن نیست که اهمیتی استثنایی برای علم قایل است بلکه همچنین در آن است که بی وقفه در طلب علم است. علم از دیدگاه اسلام میراث مشترك تلقی میشود که در انحصار هیچ کس نیست. در اسلام هیچ چیز بیگانه تر از سیستمی نیست که استفاده و بهره گیری و مبادله دانش را محدود میکند و جریان اطلاعات علمی و فنی را محض در خدمت بازار و سود بیشتر قرار میدهد.

اعتقاد به اینکه علم متعلق به تمامی بشریت است، عالم را ملزم می سازد که دانش خود را به کسانی که در طلب علم هستند، منتقل کند. این که طلب علم خواست مشروعی است از این دعای پیغمبر(ص) برمی آید: "پروردگارا در علم من بیفرا" و این که عالم شایسته احترام است، از این سوال هویدا است: "آیا برابرند آنانی که می دانند با آنانی که نمی دانند؟" همچنین قرآن کریم ما را امر میکند که از فیض علم بهره گیریم: "بروید از اهل ذکر سوال کنید اگر نمیدانید".

با پیروی از این فلسفه، اسلام از دانش و فرهنگ تمام جوامعی که در جریان گسترش خود به آنها بر می خورد بهره می گرفت. پیغمبر اسلام به مومنان اندرز داده است که از "گهواره تا گور دانش بجویند و در طلب علم حتی به چین بروند. اسلام کار خود را با يك دید بی همتا آغاز کرد و سپس ظرفیتی را در خود پرورش داد که به برکت آن، موارث فکری مردمانی را که به اسلام گرویده و عناصر عمده علم و دانش بقیه مردمان جهان را جذب و با یکدیگر آمیزش و پیوند میدهد.

اسلام به قابلیت بشر برای رسیدن به کمال از راه تعلیم و تربیت، اطمینان داشت و در نتیجه برای نخستین بار در تاریخ بشریت، نظریه آموزش مداوم را توصیه کرد. یعنی امر کرد که از گهواره تا گور بیاموزید، بیاموزید. اسلام مردان و زنان و اطفال را به آموختن امر کرد، تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیت دیگران را بر عهده بگیرند. مطالعه دقیق مطالب فوق میرساند که تعالیم اسلام همواره تازگی خود را حفظ کرده است و سرگذشت حماسی هجرت که در طی آن، تعالیم شکل گرفت، همچنان الهام بخش اذهان و قلوب مردم است. امروز فصلهای گوناگون آن سرگذشت در ذهن مسلمانان چنان انعکاس دارد که گویی مربوط به مردمی است که در همین اواخر می زیسته اند، مردمی که یادشان نزد مسلمین بسیار عزیز است.

آن ارزشهای آزادی، مسوولیت، همبستگی، پاکي نفس، و حکم برای کسب دانش، که به نور ایمان منور و منزّه شده بودند، برای انسان امروز نیز همچون زمان پیغمبر(ص) دارای اهمیت اند.

آن ارزشها امروز نیز همچون گذشته و آینده، چنان آرمائی را در مسیر زندگی انسان قرار میدهند که به برکت آن جزئی ترین اعمال روزمره اش نیز از والا ترین آمال معنوی او رنگ می گیرد. بر ماست که آن ارزشها را درک نمایم، بفهمیم و در مسیر زندگی، سرمشق حیات شخصی و اجتماعی جامعه خود بسازیم. چهار دلیل عمده نویسنده را راهنمایی می نماید تا این نوشته را با مسایل مربوط به کسب دانش و تعلیم و تربیه، خاتمه دهد:

الف: اعتقاد به پیام و حکم اسلام در جهت کسب دانش، کسب متداوم دانش.
ب: تعلیم و تربیه و سیله گرانمایه برای تفهیم، تعلیم و فهم ارزش ها و پیام اسلام است. جامعه اسلامی با سواد، احکام، پیام و ارزشهای اسلام، این دین مقدس و صلح خواه را که به مقام وزندگی انسان حرمت قایل است، و از دهشت افگنی پرهیز می نماید، بهتر میداند و بالاخره آن ارزشها را رهنمای زندگی خود می نماید.
ج: تعلیم و تربیه وسیله اصلی نجات انسان از شر فقر، جهل، امراض و فساد می باشد و راهنمایی جامعه بطرف حیات مرفه دارای مزایای فرهنگی و اقتصادی است.
ج: ارزشهای اسلامی به صلح و انسان دوستی مقام بس بزرگی قایل است. آنانی که در جهت نفع شخصی مادی و یا سیاسی کشتار، زحمت، فقر و مرض را برای دیگران سبب می شوند، در نزد اسلام منفور و گنهگار اند.

با حفظ مفاهیم فوق باید درک کنیم که رسالت اصلی تعلیم و تربیه ایجاد و پرورش انسان نو، کامل، صلح دوست و ملیس به ارزشهای اسلامی می باشد که باید موافق با ضرورتهای جامعه نو با ابزار نو و روش نو تربیت گردد. در تربیت او از همه وسایل استفاده شود و او خود موظف شود که در تربیت دیگران همت گمارد تا اینکه کسب دانش مداوم در جامعه امر سرنوشت همه، قرار گیرد.

در زمان امروز، تعلیم و تربیه را نمی توان منحصر به مکتب و یا منحصر به دوران محدودی از زندگی کرد. انسان موجود زنده ایست که بطور مداوم آموزش می بیند و پرورش می یابد. تعلیم و تربیه جریانی است مداوم که از راه زندگی، کار و تجربه، از طریق شنیدن، دیدن، گفتن و خواندن و بر خورد های انسان با موقع های گوناگون، بدست می آید و به هیچ وجه نمیتواند به تعلیمات رسمی یا مکتب منحصر گردد، چونکه انسان از "گهواره تا گور" می آموزد.

این اصل، فهم و قبول آن در کشور ما، کشوری که مردم آن بدین مقدس اسلام معتقد هستند و اسلام و پیام اسلامی راهنمای حیات معنوی و مادی مردم است و اساسات اجتماعی، سیاسی کشور ما وابسته به مفاهیم و ارزشهای اسلامی است، در عمل در امکان اجرا است.

نقش رسانه های گروهی و علمای دینی در تربیت جامعه افغانی برای تفهیم و تعلیم ارزشها و پیام اسلامی نهایت مهم و برآزنده است، تفهیم و تعلیم ارزشها که جامعه ما را در حفظ هویت اسلامی کمک بسزا خواهد نمود. به همین منظور، پیشنهادات زیر ارائه میگردند:

- ۱- درك احساس و مسوولیت در شناخت کامل ارزشها، مبانی و پیام اسلامی در جامعه افغانستان.
- ۲- طرح برنامه ها در قالب سیاست نشراتی به منظور شناسائی تعلیم و پیام اسلامی.
- ۳- طرح برنامه نشراتی با در نظر داشت سویه فرهنگی مردم کشور ما هم با ارتباط سویه عمومی مردم از لحاظ دانش عمومی و هم با ارتباط زبان و دیگر مسایل اجتماعی و فرهنگی.
- 1- درك مسایل و سیاست عمومی دولتی.
- 2- استفاده از همه وسایل تخنیک و روش های مسلکی عصری و مدرن.
- 3- اشتراك مردم در طرح اجرای برنامه های تعلیمات اسلامی.
- 4- هماهنگی با رسانه های دولتی و یا خصوصی و هماهنگی با برنامه های وزارت های معارف، تحصیلات عالی، اطلاعات و فرهنگ ، حج و اوقاف و دیگر موسسات و منابع که موظف اجرای تعلیمات دینی هستند .
- 5- ارزیابی برنامه های نشراتی از طریق مراجعه به مردم و اصلاح متداوم برنامه ها در جهت بهبودی و موثریت آن.

ختم



برای مطالب دیگر داکتر محمد ظاهر عزیز، اینجا کلیک نمایید.